

عید فطر

در نگاه فریقین

سیدمصطفی حسینی^۱



چکیده

در این مقاله ابتدا به مفهوم لغوی و اصطلاحی عید پرداخته و سپس جایگاه عید سعید فطر در قرآن و روایات بر اساس منابع فریقین (شیعه و سنی) تبیین گردیده است.

آن‌گاه به اعمال و آداب شب و روز این عید بزرگ از قبیل غسل، احیا شب عید، زکات فطره و برپایی نماز عید پرداخته و فلسفه تشریح این اعمال به ویژه نماز عید فطر توضیح داده شده است. در پایان، گفتاری از عالم بزرگ اسلامی در لزوم اهتمام بیشتر بندگان نسبت به روز عید فطر

جهت جلب هر چه بیشتر رحمت الهی ذکر شده است. واژگان کلیدی: عید، فطر، یوم الجائزه

مقدمه

۱. عید در لغت

در برخی از کتاب‌های لغت، این واژه در معانی: خوی گرفته هرچه باز آید از غم و اندیشه و مانند آن، روز فراهم آمدن قوم، مطلق روز جشن و روز مبارکی که در آن روز مردم شادی کنند و به یکدیگر تبریک گویند به کار رفته است.^۲ ابن‌منظور در «لسان‌العرب» معتقد است که اصل واژه «عید»



از عادت می‌باشد بدان جهت که مردم در روز عید عادت به جمع شدن کنار یکدیگر می‌نمایند.^۳ اما در کتاب «الموسوعة الفقهية» و برخی دیگر از کتاب‌های لغوی و تفسیری فریقین (شیعه و سنی) اصل واژه عید، عود (به معنای بازگشتن) ذکر گردیده است بدان سبب که این روز در هر سال تکرار گردیده و بازگشت می‌کند.^۴

۲. عید در اصطلاح شریعت

باید گفت عید به معنای اصطلاحی، آن روزی است که در آن قوم و ملتی به موهبتی نائل شده باشند و این معنا سنتی بشری است که جهت بزرگداشت آن موهبت مهم و سرنوشت‌ساز هر سال تکرار می‌گردد. بدیهی است این مفهوم اصطلاحی با معنای لغوی عید، تناسب نیز خواهد داشت.

با تعریفی که از مفهوم اصطلاحی و لغوی عید بیان گردید جایگاه این واژه در شرع مقدس بیشتر روشن می‌گردد. در این جا گفتار برخی از مفسرین فریقین را در تبیین معنای عید از منظر شرع مقدس بیان می‌کنیم:

هرچند برخی از عالمان مذهب اهل سنت ۵ عید اسلامی را منحصر در عید قربان و عید فطر دانسته‌اند اما از گفتار برخی دیگر از آنان استفاده می‌شود که عید، منحصر به این دو روز نبوده بلکه مفهومی گسترده در شریعت دارد. مؤلف تفسیر «التحریر و التنویر» می‌گوید:

«جعل الله يوم الجمعة عيد الاسبوع فشرع لهم اجتماع اهل البلا في المسجد و سماع الخطبة ليعلموا ما يهمهم من اقامة شئوون

دینهم و اصلاحهم

خداوند روز جمعه را عید هر هفته‌ای قرار داده است پس در این روز برای مردم مقرر نموده است که جمعیت هر شهری در مسجد جمع شده و خطبه جمعه را استماع کنند تا از مسائل مهمی که موجب اصلاح و برپایی امور دینیشان می‌گردد مطلع گردند.^۶

ایشان ادامه می‌دهد که حتی روز نزول قرآن را که در شب قدر واقع گردیده است باید عید بدانیم:

«... و هذا تعليم للمسلمين ان يعظموا ايام فضلهام الديني و ايام نعم الله عليهم و هو مماثل لما شرع الله لموسي تفضيل بعض ايام السنين التي توافق اياما حصلت فيها نعم عظمي من الله علي موسي قال الله تعالي: و ذكر هم به ايام الله - ابراهيم فينبغي ان تعدلله القدر عيد نزول القرآن

این چنین به مسلمانان تعلیم داده شده است که ایام با فضیلت دینیشان را که خداوند در آن ایام بدان‌ها نعمتی عنایت نموده است بزرگ شمارند و این آموزش شبیه احکامی است که خداوند در شریعت موسی برخی از ایام را که پیروانش به نعمتی عظیم نائل شده بودند عظیم شمارند و متذکر به آن‌ها باشند پس سزاوار است که لیلۃ‌القدر نیز به عنوان عید نزول قرآن تلقی گردد.^۷

مؤلف تفسیر «اضواءالبیان» نیز در بیان روایتی

چنین می‌گوید:

«عن طارق بن شهاب قال: جاء رجل من اليهود الي عمر بن الخطاب فقال يا امير



المؤمنين انكم تقرئون آيه من كتابكم لو علينا يا معشر اليهود نزلت لا اتخذنا ذالك اليوم عيداً قال: واي ايه قال قوله: اليوم اكملت لكم دينكم فقال عمر: والله الا علم اليوم الذي نزلت علي رسول الله و الساعه التي نزلت فيها علي رسول الله عشيّه غرفه في يوم الجمعة...

شخصی یهودی نزد عمر بن خطاب آمد و گفت: ای امیرالمؤمنین شما در کتابتان آیه‌ای را قرائت می‌کنید که اگر چنین آیه‌ای بر ملت یهود نازل می‌شد آن روز را عید خویش قرار می‌دادیم. عمر پرسید: کدام آیه؟ پاسخ داد آیه الیوم اکملت لكم دینکم... عمر گفت: به خدا قسم آن روزی که این آیه نازل شد را می‌دانم و ساعتی که این آیه بر پیامبر نازل گردید شب عرفه در روز جمعه بود.^۸

علامه طباطبایی نیز همانند سائر مفسرین شیعی، اعیاد اسلامی را منحصر به دو عید قربان و عید فطر ندانسته و در تفسیر «المیزان» می‌فرماید: عید در نزد هر قوم و ملتی، هر روزی است که مردم به موهبتی خاص نائل گردیده باشند.^۹ بر این اساس می‌توان ایام ذیل را از اعیاد مهم اسلامی تلقی نمود:

۱. عید مبعث که پیامبر اعظم به مقامی بلند و عظیم نائل گردیده است.
۲. عید فطر که تحولی سازنده در افکار و عقاید انسان صورت می‌گیرد.
۳. عید قربان که یادآور تحولی شگفت در مقام

والای ابراهیم می‌باشد.

۴. ولادت رهبری از رهبران الهی نظیر ولادت اهل بیت^(ع)

در تأیید مفهوم عامی که از عید در نگاه شرع مقدس ذکر گردید می‌توان به آیه شریفه ۱۱۴ سوره مائده نیز تمسک نمود. در این آیه شریفه واژه عید نسبت به روز نزول مائده آسمانی که موهبتی ویژه از ناحیه خداوند متعال به عیسی^(ع) و پیروانش بود اطلاق گردیده است.

«اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيداً لِأَوْلِيَانَا وَ آخِرِنَا

خداوندا فرو فرست بر ما خوانی از آسمان تا برای همه ما از اولین و آخرین عیدی باشد». نکته مهم آنکه در این آیه شریفه کلمه عید به عنوان فلسفه و علت برای نزول مائده آسمانی آمده است. به دیگر سخن فلسفه نزول مائده آسمانی، اطمینان قلب و زدودن وساوس نفسانی و تقرب بیشتر به ساحت الهی بود.^{۱۰} بدیهی است عید بودن چنین روزی نیز که هر سال تکرار می‌گردد همین ویژگی‌ها را خواهد داشت.

در روایات دیگر نیز که از اهل بیت^(ع) وارده شده است واژه عید به مواردی اطلاق گردیده است که انسان به مرتبتی از کمال یا تقرب الهی نائل آمده باشد. سخن معروف حضرت امیرالمؤمنین که فرمود:

«كُلَّ يَوْمٍ لَا أُعْصِي اللَّهَ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ

هر روزی که در آن معصیت الهی انجام نشود روز عید است».

باید ناظر به همین معنای عام داشت.





۳. جایگاه عید فطر در قرآن و روایات

بیشتر مفسرین شیعه و سنی آیات شریفه «قد افلح من تزکی و ذکر اسم ربه فصلی» را منطبق بر عید سعید فطر (زکات فطره و نماز عید فطر) دانسته‌اند. مفهوم این دو آیه شریفه آن است که فلاح و رستگاری مبتنی بر برگزاری اعمال بزرگی است که در روز عید فطر انجام می‌پذیرد که عبارت است از پرداخت زکات فطره و برپایی نماز عید و این خود بیانگر عظمت چنین روزی خواهد بود.^{۱۱} در روایات متعدد نیز از عید فطر به عنوان «یوم الجوایز» یاد شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی اول شوال فرامی‌رسد منادی ندا بر می‌آورد ای مؤمنان اول صبح به سوی جایزه‌هایتان بشتابید. سپس فرمود: ای جابر جوایز خداوند همانند جایزه‌های پادشاهان نیست. آن‌گاه فرمود: این روز، روز جایزه است.^{۱۲} در «مجمع الزوائد» هیثمی از نبی اکرم (ص) روایت شده است که آن حضرت فرمود:

در روز عید فطر ملائکه الهی در مسیر راه‌ها قرار گرفته و ندا می‌کنند به سوی پروردگار کریم بشتابید همانا شما مسلمانان به عبادت شب امر شده پس آن را بجا آوردید؛ به روزه گرفتن در روز مأمور شده پس آن را نیز بجا آورده و اطاعت نمودید. پس به سوی اخذ جوایز خویش اقدام نمایید. پس آن‌گاه که روزه‌داران ماه رمضان، نماز عیدشان را بجا آوردند منادی ندا می‌دهد که آگاه باشید پروردگارتان همه شما را مشمول مغفرت خویش قرار داد پس به سوی سرمایه‌های خویش برگردید پس امروز روز جایزه است و این نام‌گذاری عید فطر به یوم‌الجائزه در آسمان صورت گرفته

است.^{۱۳}

از طرفی دیگر در کلمات گهربار امیرمؤمنان علی (ع) عید فطر تنها به کسانی اختصاص یافته که موفق به پیمودن مسیر مسابقه عبادت در ماه رمضان گردیده و نشان قبولی را از ناحیه خداوند دریافت نموده‌اند:

«إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ لِمَنْ قَبِلَ اللَّهَ صِيَامَهُ وَ شَكَرَ قِيَامَهُ»^{۱۴}

«إِنَّمَا هُوَ عِيدٌ مَنْ عَفَّرَ لَهُ»^{۱۵}

و فرزند بزرگوارشان امام حسن (ع) نیز غافلان از این مائده عظیم را بی‌نصیب از برکات عید فطر می‌داند. آن حضرت در روز عید فطر وقتی عده‌ای را دید که می‌خندیدند و بازی می‌کردند رو به همراهان خود نموده و فرمود: خدای عزوجل ماه رمضان را آفرید تا میدان مسابقه‌ای برای خلقتش باشد که در آن با طاعت و رضایت او با یکدیگر مسابقه بدهند. عده‌ای سبقت گرفته و سعادت‌مند شدند و عده‌ای عقب افتاده و ناامید شدند. شگفت از کسی که در این روز می‌خندد و بازی می‌کند روزی که نیکوکاران در آن پاداش یافته و کوتاهی‌کنندگان زیان می‌بینند. به خدا سوگند اگر پرده‌ها فرو افتد نیکوکار می‌اندیشد که چرا بیشتر عمل نیک انجام نداده و بدکار می‌گوید چرا بد می‌کردم و از شانه کردن مو و صاف کردن لباس خود باز می‌ماند.^{۱۶}

در کلمات برخی از دانشمندان نیز فلسفه تشریح عید فطر و نیز عید قربان متذکر نمودن بشر به قیامت و حوادث عظیم در آن روز بیان گردیده است چنانکه مؤلف «روضه‌الواعظین» می‌گوید:

«حکمت تشریح عید فطر و عید قربان، یادآوری قیامت و مواقف آن است به دلیل مشابهت‌هایی که بین این ایام و قیامت وجود دارد. پس در شب عید فطر به یاد شبی باش که صبح آن روز قیامت واقع می‌گردد سپس وقتی صدای طبل و کوس و بوق را شنیدی نفخ صور را به یادآور چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَنُفِّخَ فِي الصُّورِ فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا» پس وقتی در روز عید جهت اقامه نماز عید از خانه‌ای خارج می‌گردی به یاد روزی باش که از دنیا به سوی آخرت می‌شوی و روز خروجت را از قبر به سوی محشر به یاد آور.»^{۱۷}

بنابراین عید فطر بزرگداشت یک روز و تکرار یک خاطره نبوده بلکه واقعیتی است که هر سال در اول ماه شوال عده بسیاری از بندگان خداوند که در مسابقه عبادت ماه رمضان تلاش نموده‌اند موفق به اخذ جوایز و درجات عالی می‌گردند از این رو عید فطر تنها به کسانی اختصاص خواهد داشت که تن به عبودیت الهی داده و خالصانه سر به آستان معبود نهاند و آنان که بی تفاوت از کنار این مانده عظیم الهی عبور نموده و یا تنها به ظواهر برخی عبادات بسنده کردند از حقیقت این عید محروم خواهند بود.

نکته مهم دیگری که از مجموعه روایات ذکر شده در زمینه حقیقت و جایگاه عید فطر استفاده می‌گردد این است همان‌طور که گروه‌های مختلف انسان‌ها در قیامت در اثر عملکرد دنیوی‌شان از یکدیگر متمایز خواهند بود در دنیا نیز مواضع مختلف انسان‌ها نسبت به عید فطر از یکدیگر متمایز می‌باشد. در این

زمینه گفتار ارزنده معلم اخلاق و عرفان میرزا جواد آقا ملکی تبریزی بیان می‌کنیم.

ایشان گروه‌های مختلف مردم را در برابر این عید به پنج دسته تقسیم نموده و می‌فرماید:

«عده‌ای روزه را تکلیفی بیشتر ندانسته و فقط با خودداری از خوردن و نوشیدن و زنان، خود را به مشقت می‌اندازند اما اعضای بدن خود را از گناهان حفظ نکرده و با دروغ و غیبت روزه خود را نقض کرده و با تهمت، افترا و... روزه خود را از بین می‌برند. چنین کسانی اگر در عید به عنایت خدای متعال خوش گمان بوده و در مکان نمازگزاران، خود از پروردگارشان آمرزش بخواهند شاید خداوند متعال هنگام اعطای جوایز، آنان را نیز مورد آمرزش خود قرار داده و با فضل خود بعضی از پاداش‌های خود را نصیب آنان می‌نماید.»

آن‌گاه در مورد دسته دوم که موقعیت برتری نسبت به دسته اول دارند می‌فرماید:

«دسته‌ای نیز می‌دانند که این خداست که بر آنان منت داشته؛ و روزه‌ای کامل است که همراه با بازداشتن اعضای بدن باشد. از این رو مواظب اعضای بدن خود نیز هستند اما گاهی خلاقی از آنان سرزده و با بیم و امید مرتکب گناهی می‌گردند. کارهای خوب و بد را به هم مخلوط نموده و با ترس و خجالت، حیا و امیدواری وارد عید می‌شوند. خداوند، آمرزش، پاداش و تبدیل گناهان را به کارهای نیک به آنان وعده داده و با عطایای خود، پاداش عبادت‌های آنان را به طور کامل و به گونه‌ای که بالاتر از آرزویشان باشد به آنان عنایت می‌کند.» آن‌گاه در مورد دسته سوم که فرجام



نگران کننده‌ای برای آنان وجود دارد می‌فرماید: «گروهی از روی عادت و با غفلت روزه گرفته و در ماه رمضان نیز مانند سایر ماه‌ها در غفلت به سر برده مرتکب گناهان شده و از روی عادت نیز وارد عید می‌شوند. سرنوشت این گروه به خواست خداوند بستگی دارد ممکن است عنایت خداوند شامل حال آنان شده و فقط به خاطر فرارسیدن عید یا به جهت کرامت بعضی از اعمال نیکوکاران آنان را مورد آمرزش خود قرار دهد یا بدی کردارشان، آنان را از رحمت خداوند خارج نموده و به ورشکستگان ملحق شوند».

سپس نسبت به مرتبت و جایگاه رفیع گروه چهارم اشاره می‌کند و می‌فرماید:

«دسته‌ای ندای خداوند را در این ماه لبیک گفته و با تمام توان در مراقبت دستورات الهی تلاش کرده و برای به دست آوردن رضای خدای متعال در پی به دست آوردن تمام خیرات هستند و عبادات زیادی به جای می‌آوردند در حالی که دل‌های آنان به سبب آگاهی خود به کوتاهی در شکرگزاری نعمت، ترسان بوده و قدر منت خداوند متعال بر آنان به خاطر اجازه نزدیکی به او و خدمت و عبادت او را می‌دانند. خداوند متعال هم خدمت آنان را قبول، از سعی آنان تشکر می‌کند و با کرامت‌ها و انواع عنایات خود آنان را پاداش می‌دهد. با هدایت‌های بیشتر آنان را بزرگ داشته با نور قرب آنان را می‌پوشاند و آنان را به دوستان برگزیده‌اش ملحق می‌کند». ایشان در پایان این قسمت مقام رفیع گروه پنجم را که با جدیت تمام،

گوی سبقت را از همگان ربوده و با زدودن حجاب‌های ظلمانی به پروردگارشان متصل گشته‌اند این چنین بیان می‌کند:

«گروهی نیز ندای خداوند متعال، سختی گرسنگی و شب‌زنده‌داری را برای آنان از بین برده با اشتیاق و شکرگزاری حتی با شادمانی و مستی با آن روبه‌رو شده برای رفتن و مسابقه جدیت به خرج داده با روح و عقل خود به خوبی خطاب خدای متعال را اجابت می‌کنند، برای از بین بردن حجاب، با بذل جان، همت کرده و با قرب به او به مراد رسیده و به پروردگارشان متصل شده‌اند. پروردگارشان آنان را به خوبی پذیرفته، نزدیک کرده و در پناه خود در جایگاه صدق به همراه دوستان و برگزیدگانش می‌نشانند، با جام لبریز خود آنان را سیراب کرده و به زیبایی، نور، شادمانی و سروری می‌رسند که کسی توان آنان را نداشته، چشمی آن را ندیده و کسی از آن چیزی نگفته است».^۸

نتیجه آنکه عید فطر در نگاه شریعت، زمان آشکار شدن آثار اعمال ماه رمضان و اعطای پاداش به سالکان کوی دوست می‌باشد. از طرفی دیگر عید فطر همانند قیامت متناسب با ظرفیت و استعداد و عملکرد انسان‌ها بوده و در آن روز هر کس در مرتبت جایگاه واقعی‌اش خواهد بود.

۴. اعمال و آداب عید فطر

اعمال بسیاری در منابع روایی و فقهی فریقین بیان گردیده که نشانه اهتمام فوق‌العاده پیشوایان الهی به عظمت آن است:



الف. اعمال و آداب شب عید فطر

در اهمیت شب عید فطر همین بس که در برخی روایات از آن، هم‌تراز با شب قدر یاد شده است. از امام سجاده^(ع) روایت شده است که فرمود: این شب، کمتر از آن یک شب یعنی شب قدر نیست.^{۱۹}

برخی از مستحبات این شب عظیم را از کتاب «الموسوعة الفقهية» بیان می‌کنیم:

۱. احیاء در شب عید فطر و اشتغال به عبادت الهی از نماز و ذکر و تلاوت قرآن و تکبیر و تسبیح و استغفار به دلیل حدیث نبوی که فرمود:
«مَنْ أَحْيَا لَيْلَةَ الْفِطْرِ وَلَيْلَةَ الْأَضْحَى لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ».

۲. غسل شب عید

۳. تزئین و تنظیف لباس و بدن و پوشیدن لباس زیبا و مسواک زدن به دلیل روایتی که ابن عباس نقل می‌کند که: «کان رسول الله یلبس فی العیدین بردی حبره» و از قول مالک آمده است که: از اهل علم شنیدم که استفاده از عطر و زینت را در هر عیدی مستحب می‌دانند و امام در این امر، اولی و احق است چون او در بین مردم مورد توجه است.^{۲۰}

علاوه بر اعمال ذکرش در منابع شیعی^{۲۱} آداب دیگری نیز ذکر شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۴. خواندن دعا به هنگام دیدن هلال ماه شوال نظیر دعای امام سجاده^(ع) در هنگام استهلال:
«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْعَلْنَا مِنْ أَرْضِي مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ، وَ أَرْزُقِي مَنْ نَظَرَ

إِلَيْهِ، وَ أَسْعَدَ مَنْ تَعَبَّدَ لَكَ فِيهِ، وَ وَقَّمْنَا فِيهِ لِلتَّوْبَةِ، وَ اعْصِمْنَا فِيهِ مِنَ الْحَوْبَةِ، وَ احْفَظْنَا فِيهِ مِنْ مُبَاشَرَةِ مَعْصِيَتِكَ وَ أَوْزَعْنَا فِيهِ شُكْرَ نِعْمَتِكَ»^{۲۲}

۵. خارج نمودن زکات فطره. این عمل طبق روایات موجب تمامیت روزه است و ندادن آن به معنای تضييع اعمال ماه رمضان خواهد بود.

همچنین مقدم داشتن این عمل بر نماز عید و مبتنی نمودن فلاح و رستگاری بر آن اهمیت فوق‌العاده آن را بیان می‌دارد. چنان‌که در قرآن کریم می‌خوانیم:

«قَدْ أَقْلَحَ مَنْ تَزَكَّى وَ ذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»^{۲۳}

در کتاب «موطا» ابن مالک نیز روایات متعددی نقل شده است که لازم است قبل از خواندن نماز عید، زکات فطره داده شود.^{۲۴}

ب. اعمال و آداب روز عید فطر

۱. غسل:

از پیامبر اکرم^(ص) نقل شده است که قبل از ایراد خطبه‌های نماز عید، غسل می‌نمود.^{۲۵} در روایتی از ابن عباس و فاکه بن سعد نقل می‌کند که:

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ يَغْتَسِلُ يَوْمَ الْفِطْرِ وَ الْأَضْحَى»^{۲۶}

۲. افطار نمودن قبل از خروج از منزل:

مبنای این حکم، روایاتی است که در زمینه آن وارد شده است از جمله آن که در روایتی می‌خوانیم:
«كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ^(ع) لَا يَأْكُلُ يَوْمَ الْأَضْحَى شَيْئًا حَتَّى يَأْكُلَ مِنْ أَصْحَابِهِ وَ لَا يَخْرُجُ يَوْمَ





الْفِطْرِ حَتَّى يَطْعَمَ وَ يُؤَدِّيَ الْفِطْرَةَ»^{۲۷}

امام صادق نیز فرمود:

«اطْعَمْ يَوْمَ الْفِطْرِ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى الْمُصَلَّى»^{۲۸}

مؤلف کتاب تفسیر «الشعراوی» نیز ذیل آیه شریفه: «شهر رمضان الذي انزل فيه القرآن» می‌گوید:

«ولنا في رسول الله اسوه حسنه فقد نهى عن صوم عيد الفطر لان عيد الفطر سمي كذلك لانه يحقق بهجه المشاركة نهايه الصوم و اجتياز الاختبار فلا يصح فيه الصوم برای ما رفتار و گفتار پیامبر الگویی نیکو است پس آن حضرت از روزه عید فطر نهی نمود پس افطار لازم است چون عید فطر را بدان جهت به این نام نهادند که در آن افطار است پس عید فطر سبب تحقق سُرور مسلمانان در پایان ماه مبارک خواهد بود. پس روزه در آن صحیح نیست»^{۲۹}

۳. رفتن به مصلی:

در این مرحله حساس، بنده مطیع الهی، خود را آماده اخذ جایزه که برترین آن لقاءالله است می‌نماید. پیامبر در روز عید فطر خطاب به مؤمنین فرمود: در چنین روزی منادی از آسمان ندا می‌دهد که:

«أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ اْعُدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ»^{۳۰}

دقت در دعاهای وارده برای چنین روزی حاکی از آن است که خروج انسان جهت برپایی نماز عید به معنای ورود به ساحت مقدس باری تعالی است از این رو باید مراقبت‌های ویژه از خود داشته و حق ادب را در محضر ربوبی رعایت کند. عبد در این

هنگام خود را آماده باریابی به مجلسی می‌نماید که حضارش با نیکوترین صورت و سیرت در بارگاه ربوبی به او می‌نگرند از این رو اگر بین او و حاضران سختی نباشد چگونه توان حضور در آن مجلس نورانی را خواهد داشت؟ آیا نشستن در چنین مجلسی چیزی جز شرمندگی و خارج شدن را به دنبال خواهد داشت؟

امام علی^(ع) نیز در تشبیهی زیبا از روزه‌داران می‌خواهد که در هنگام خروج از منزل و رفتن به سوی مصلی به یاد قیامت بوده و خود را در برابر دستگاه عدل الهی قرار دهند و آن‌گاه منتظر نتایج اعمال خویش گردند:

ای مردم این روز شما روزی است که نیکوکاران در آن پاداش می‌گیرند و زیانکاران و تبه‌کاران در آن مأیوس و ناامید می‌گردند و این شباهتی زیاد به روز قیامت دارد. پس با خروج از منازل و رهسپاری به سوی جایگاه نماز عید، خروجتان از قبر و رفتنتان را به سوی پروردگار، به یاد آورید و با ایستادن در جایگاه نماز، ایستادن در برابر پروردگارتان را یاد کنید و با بازگشت به سوی منازل خود بازگشتنتان به سوی منازلتان در بهشت برین را متذکر شوید. ای بندگان خدا کم‌ترین چیزی که به زنان و مردان روزه‌دار داده می‌شود این است که فرشته‌ای در آخرین روز ماه رمضان به آنان ندا می‌دهد و می‌گوید: هان بشارتتان باد ای بندگان خدا که گناهان گذشته‌تان آمرزیده شد پس به فکر آینده خویش باشید که چگونه بقیه ایام را بگذرانید.^{۳۱}

۴. گفتن تکبیر در روز عید فطر:

در منابع روایی و فقهی فریقین نسبت به تکبیرات در روز عید تأکید زیادی شده است به گونه‌ای که دستور داده شده است از صبح روز عید فطر، به هنگام رفتن به سوی مصلی، در مصلی، در بین نماز، بعد از اتمام نماز، این تکبیرات شایسته است گفته شود و برخی نظیر مذهب حنفی تکبیرات حتی پس از اتمام نماز عید را واجب می‌دانند.^{۳۳}

تکبیرات وارد شده در عید فطر بدین شکل می‌باشد:

«الله اکبر الله اکبر و لله الحمد و الحمد لله
علي ما هدینا و له الشکر علي ما اولانا»

۵. خواندن نماز عید فطر:

باید گفت تشریح نماز عید، آن هم در زیر آسمان، جهت بسط رحمت الهی به بندگان است. سیدبن طاووس در «اقبال الاعمال» فلسفه این حکم را چنین بیان می‌کند:

«آسمان به منزله کعبه دعا است و این به واسطه ساکنان آن اعم از فرشتگان و ارواح پیامبران است و نیز آسمان جایگاه بلند و در گشوده شدن روزی‌ها و آرزوها و محل نزول وحی و تدبیر امور است. خداوند می‌فرماید: «و فِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَ مَا تُوعَدُونَ» روزی شما و آنچه بدان وعده داده می‌شوید در آسمان است بنابراین بین آمدن و ایستادن بر درگاه خدا که این ویژگی‌ها را دارد بیشتر موجب اجابت دعا و برآورده شدن حوائج است.»^{۳۳}

بنابراین شایسته است بندگان جایگاهی را که در آن قرار گرفته‌اند غنیمت شمرده و با حسن

ظن بیشتری با خدای خویش مواجه گردند. امام صادق (ع) فرمود: آن‌گاه که در مصلی قرار گرفتی پس به سمت قبله ایستاده و بعد از تکبیر، این چنین با خدای خود سخن بگو:

«اللَّهُمَّ اني عبدك و ابن عبدك هَارِبُ
منك اليك اتيتك وَاَفِدَاً اليك تَائِباً مِنْ
ذُنُوبِي اليك زَائِراً وَ حَقُّ الزَّائِرِ عَلَي الْمُرُورِ
التَّحْفَةُ فَأَجْعَلْ تحفتي منك وَ تحفتك لي
رضاک و الجنة

خداوندا من بنده تو و فرزند بنده تو هستم و از تو به سوی تو گریخته‌ام و به درگاه تو روی آورده‌ام در حالی که بر تو وارد شده‌ام و از گناهانم به سوی تو توبه نموده‌ام آهنگ تو را کرده‌ام و زائر تو هستم و حق زائر بر زیارت شونده این است که به او هدیه دهد پس تحفه من از خود و هدیه خود برای من را خشنودیت و بهشت قرار بده.»^{۳۴}

هرچند در حکم خواندن نماز عید در مذاهب اسلامی اختلافاتی وجود دارد اما اغلب به رجحان و استحباب مؤکد آن قائلند چنان‌که در مذهب مالکی و شافعی آمده است که این نماز مستحب مؤکد است اما مذهب حنفی آن را واجب می‌داند به دلیل آنکه پیامبر اکرم (ص) بر خواندن آن مداومت داشت و نیز به دلیل آنکه این نماز به جماعت خوانده می‌شود و اگر این نماز مستحب بود جماعتش صحیح نبود. ولی در مکتب حنابله این نماز وجوب کفایی است به دلیل آیه شریفه: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَ انْحَرْ»^{۳۵}

در مذهب تشیع نیز بین فقیهان در وجوب یا





استحباب آن اختلاف بوده و اغلب آن را مستحب می‌دانند.^{۳۶}

همچنین در کیفیت تشریح نماز عید بین مذاهب اسلامی اختلافاتی جزئی وجود دارد که در کتب فقهیه بیان گردیده است.

در «موطا» ابن مالک آمده است که پیامبر در نماز عید فطر سوره «ق وَ الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ» و سوره «اِقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَ اَنْشَقَّ الْقَمَرُ» را قرائت می‌نمود^{۳۷} ولی در کتاب «المدونه الکبری» از قول مالک نقل شده است که سوره «وَ الشَّمْسِ وَ ضَحِيهَا» و سوره «اعلي» قرائت می‌گردد.^{۳۸}

عالمان شیعی نیز قائلند که در رکعت اول بعد از حمد سوره «والشمس» و در رکعت دوم سوره «اعلي» بهتر است خوانده شود.

در تعداد تکبیرات وارده در اثنای نماز عید فطر بین مذاهب اسلامی اختلافاتی وجود دارد برخی قائل به ۷ تکبیر در رکعت اول و ۵ تکبیر در رکعت دوم و برخی ۶ تکبیر در رکعت اول و ۵ تکبیر در رکعت دوم بوده و برخی نیز فتاوی دیگری را در کتاب‌هایشان بیان نموده‌اند.^{۳۹}

به طور کلی می‌توان گفت اصل نماز عید فطر در تمامی مذاهب اسلامی شبیه به یکدیگر بوده و تنها در برخی جزئیات بینشان اختلافاتی وجود دارد.

در قنوت نماز عید بر اساس روایاتی که در منابع شیعی وجود دارد و خواندنش نیز مستحب است نمازگزار در ابتدا خداوند متعال را با عالی‌ترین صفاتش این‌گونه مورد ستایش قرار می‌دهد:

«اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ

وَأَهْلَ التَّقْوَى وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ...»

آن‌گاه جهت جلب رحمت بی‌انتهای الهی خواسته‌اش را این چنین از درگاه باری تعالی مسألت می‌کند:

«اللَّهُمَّ اني أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ وَ اَعُوذُ بِكَ مِنَّمَا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ»

در این فراز گویا عبد، خود را عاجز از اظهار خواسته‌های حقیقی‌اش دیده و برای کسب اطمینان کامل از رحمت، دعوات خود را در جمع اولیای صالح و مخلص الهی قرار داده و از زبان آن‌ها از خدایش می‌خواهد که: خدایا از تو همان چیزی را به عنوان پاداش این روز می‌خواهم که بندگان صالحت همان را از تو در چنین روی مسألت می‌کنند و نیز به تو پناه می‌برم از همه اموری که بندگان صالح و مخلص در آن‌ها به تو پناه می‌برند.

در پایان مقاله قسمتی از سخنان عارف و عالم بزرگ اسلامی سیدین طاووس را در لزوم توجه عید به عظمت جایگاهی که در آن قرار گرفته است را بیان نموده تا با اعتماد بیشتر به حضرت حق بتواند رحمت بیشتری را به سوی خودش جلب کند:

«باید بر روی دل و دیده او انوار اعتماد بر آمرزش نمودار گردد زیرا هرگاه پادشاه بر بردگانش وعده بخشش بدهد و با این حال ببیند که آن‌ها با وجود اطمینان به اینکه پادشاه به وعده‌هایش عمل خواهد کرد باز هم در حد توان خود به سپاس و ستایش او نمی‌پردازند

قطعاً چنین بندگان خود را به خطر انداخته‌اند... وقتی خدایی که به ایمنی بخشی او اعتماد داری تو را امان داد ایمن شو اگرچه گناه همه جهانیان را داشته باشی و هرگاه تو را به گمان نیک به بخشش خود و اعتماد بر وفا کردن به وعده‌هایش فراخواند هرچه بیشتر به او اعتماد کن و در این حال اگر شرافت و وسیله‌ای برای جلب اقبال و توجه خداوند به خود نداشتی... به زودی درخت حسن ظن و اعتقاد تو به معاد بار نشسته و میوه‌های نیکبختی و یاری خدا در دنیا و آخرت را از آن خواهی چید».

نتیجه‌گیری

از مجموع آیات قرآن کریم و روایات شریف که بر اهمیت و عظمت روز فطر تأکید دارند و نیز از اعمالی که برای شب و روز این عید بزرگ مسلمانان شمرده شده برمی‌آید که روزه‌داران و دیگر مسلمانانی که به جهت داشتن عذر، موفق به روزه نشده‌اند باید خود را برای ورود به چنین روز با عظمتی آماده سازند و پاداش یک ماه مجاهدت خود را پس از دادن فطریه و به‌جا آوردن نماز از خداوند مسألت نمایند.

پی‌نوشت:

۱. یزوهشگر و نویسنده
۲. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱، ص ۲۴ و ۱۴۵
۳. لسان‌العرب، واژه عید
۴. موسوعه‌الفقهیه، ج ۳۱، ص ۱۱۴، میزان، ج ۶، ص ۲۳۵، تفسیر قرطبی، ج ۶، ص ۳۶۸، مجمع‌البحرین، ج ۳، ص ۳۷۴، فتح‌القدیر، ج ۲، ص ۹۳
۵. ر. ک به: الموسوعه‌الفقهیه، ج ۳۱، ص ۱۱۴

۶. التحریر و التنویر، ج ۲، ص ۱۶۴
۷. التحریر و التنویر، ج ۲، ص ۱۶۴
۸. اضواءالبیان، ج ۸، ص ۳۹۲ ایشان این روایت را از صحیح بخاری، مسلم و سنن ترمذی نقل کرده‌اند
۹. تفسیر میزان، ج ۶، ص ۲۳۵
۱۰. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۸
۱۱. این مطلب از آیه شریفه ۱۱۳ سوره مائده: «قالوا نريد ان ناكل منها و تطمئن قلوبنا و نعلم ان قد صدقتنا و نکوثل علیها من الشاهدین» استفاده می‌گردد.
۱۲. مجمع‌الزوائد، ج ۲، ص ۲۰۱، المعجم‌الکبیر، ج ۱، ص ۲۲۶
۱۳. شیخ صدوق، من لایحضره‌الفقیه، ج ۴، ص ۳۲۳ و کنز‌العمال، ج ۸، ص ۵۹۰
۱۴. نهج‌البلاغه، حکمت ۴۲۸
۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۴، ص ۳۲۶
۱۶. شیخ صدوق، من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۴
۱۷. روضه‌الواعظین، ص ۳۵۳
۱۸. ر. ک به: المراقبات ترجمه ابراهیم محدث، صص ۳۳۴-۳۳۷
۱۹. اقبال‌الاعمال ترجمه محمد روحی
۲۰. الموسوعه‌الفقهیه، ج ۳۱، صص ۱۱۵-۱۱۶ اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۴۵۷، در وسائل‌الشیعه، ج ۸، ص ۸۷ در حالات امام حسن نقل شده است که شب عید فطر را تا صبح احیا می‌گرفت.
۲۱. جهت توضیح بیشتر ر. ک به: اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۴۵۷
۲۲. صحیفه سجادیه، دعای ۴۳
۲۳. قرآن کریم، سوره اعلیٰ، آیه ۱۴
۲۴. الموطأ، ج ۱، ص ۲۸۵
۲۵. الموطأ، ج ۱، ص ۱۷۷
۲۶. الموسوعه‌الفقهیه، ج ۳۱، صص ۱۱۵-۱۱۶
۲۷. حر عاملی، وسائل‌الشیعه، ج ۷، ص ۴۴۴، الموطأ، ج ۱، ص ۷۸
۲۸. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۴، ص ۱۶۸
۲۹. تفسیر الشعراوی، ج ۱، ص ۴۶۸
۳۰. شیخ صدوق، من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۳
۳۱. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان‌الحکمه، ج ۷، صص ۱۳۱-۱۳۲
۳۲. ر. ک به: الموسوعه‌الفقهیه، ج ۳۱، ص ۱۱۵ لازم به تذکر است که در تعداد تکبیرات وارده به ویژه در نماز عید بین مذاهب اسلامی اختلافاتی وجود دارد.
۳۳. اقبال‌الاعمال، ص ۴۹۴
۳۴. الموسوعه‌الفقهیه، ج ۳۱، ص ۱۱۴
۳۵. جهت تفصیل بیشتر ر. ک به: العروة‌الوثقی
۳۶. الموطأ، ج ۱، ص ۱۸۰
۳۷. المدونه‌الکبری، ج ۱، ص ۱۶۸
۳۸. الموطأ، ج ۶، ص ۱۷۷
۳۹. جهت تفصیل بیشتر ر. ک به: کتاب‌های: تحفة‌الفقهاء، ج ۱، ص ۱۶۵، رساله ابی‌زید، ص ۲۴۵، مبسوماسر حسنی، ج ۲، ص ۳۷، و منابع روایی شیعه: اصول کافی، ج ۴، ص ۴۵۹، من لایحضره‌الفقیه، ج ۱، ص ۵۰۴، تهذیب‌الاحکام، ج ۳، ص ۱۳۰ و نیز جمله تراتنا، ج ۱۶، ص ۲۱۴

